

قرآن کریم خودنمایی و افراط در آراستگی را «تبرّج» می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمرد. کدام مورد، پیامد این رفتار را بیان نموده است؟

- ۱) به دست آوردن مقبولیت ظاهری و خارج شدن از اعتدال و میانه‌روی
- ۲) شکست خوردن در مقابل تمایلاتِ پستِ درون خود و تسلیم شدن در برابر آنها
- ۳) غفلت انسان از هدف زندگی و مشغول شدن به آنچه سبب دوری از خدا می‌شود.
- ۴) اثبات وجود خود برای دیگران و انجام اموری که ضعف شخصیتی را به همراه دارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دقت شود که در این سؤال، پیامد تبرّج خواسته شده است، نه تعریف آن.

معنای این است که برخی انسان‌ها در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می‌شوند، به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را تبرج می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمرد.

اما پیامد تبرج و زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن این است که باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

با پایان یافتن دوران زندگی انسان‌ها در این جهان، بلافاصله کدام حادثه اتفاق می‌افتد؟

۱) واقعه سهمگینی که ناگهانی رخ داده و همه را غافلگیر می‌کند.

۲) حضور فرشتگان الهی و اعضا و جوارح بدن انسان که شاهدان هستند.

۳) نورانی شدن زمین و روشن شدن آن که برای پدیدار شدن اعمال است.

۴) رسیدگی به اعمال همه‌ی انسان‌ها از کوچک و بزرگ که بر مبنای عدل است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. با پایان دوران زندگی انسان در دنیا، مرحله‌ی اول قیامت آغاز می‌شود که اولین حادثه‌ی

آن شنیده شدن صدایی مهیب است. صدایی سهمگین که همه‌ی آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد و این اتفاق چنان

ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند.

قرآن کریم چه کسانی را انسان‌های ناسپاس نامیده و در مورد آنان چه می‌فرماید؟

(۱) با عقل خود در پیام الهی تفکر نمی‌کنند و دچار انحراف می‌شوند - (وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ)

(۲) با عقل خود در پیام الهی تفکر نمی‌کنند و دچار انحراف می‌شوند - (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا)

(۳) با دست خالی دنیا را ترک کرده و به دیار آخرت بروند - (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا)

(۴) با دست خالی دنیا را ترک کرده و به دیار آخرت بروند - (وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. انسان به علت دارا بودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند. اما چنان که گفته شد، چون در برنامه‌ی دیگری غیر از برنامه‌ی خداوند نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و با دست خالی دنیا را ترک گفته و به دیار آخرت خواهد شتافت و در آن‌جا زیان خود را مشاهده خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده و می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا: همانا ما راه را به او نشان دادیم. یا سپاس‌گزار خواهد بود، یا ناسپاس»

از این که پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست، چه چیزی فهمیده می شود و پیام کدام آیه ی شریفه، حاکی از آن است؟

(۱) امکان معاد در پرتو عدل الهی - (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ)

(۲) ضرورت معاد در پرتو عدل الهی - (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ)

(۳) امکان معاد در پرتو عدل الهی - (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا)

(۴) ضرورت معاد در پرتو عدل الهی - (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

حَدِيثًا)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بحث از پاداش و کیفر اعمال، مربوط به عدل الهی است. یکی از دلایل امکان پذیر بودن برقراری عدل الهی در دنیا، این است که پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست. پس ضرورت دارد که جهان دیگری باشد که شخص شهید به پاداش عمل خود برسد و این همان مفهوم ضرورت معاد در عدل الهی است که در آیه ی «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ: آیا ما آنها را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند با تباہکاران یکسان قرار خواهیم داد، آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟» اشاره شده است.

کدام مورد اعتقاد کسانی است که (وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ ...) را باور نموده‌اند و آنان جهان آخرت را چگونه توصیف می‌کنند؟

- ۱) مرگ را غروبی می‌دانند که طلوعی درخشان‌تر در پی دارد - (لَهْيَ الْحَيَوَانُ)
- ۲) مرگ را غروبی می‌دانند که طلوعی درخشان‌تر در پی دارد - (فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ)
- ۳) زندگی چند روزهی دنیا بی‌ارزش و کم‌اعتبار است و لایق دلبستگی نیست - (لَهْيَ الْحَيَوَانُ)
- ۴) زندگی چند روزهی دنیا بی‌ارزش و کم‌اعتبار است و لایق دلبستگی نیست - (فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دیدگاه اعتقاد به معاد در آیهی «وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقتی است اگر می‌دانستند» مطرح شده است. در این دیدگاه، پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان‌بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند، بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌دانند یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله‌ی هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می‌کند. آنان آخرت را زندگی حقیقی «لَهْيَ الْحَيَوَانُ» توصیف می‌کنند.

دقت شود که در آیهی ذکر شده، بر کم‌ارزشی دنیا تأکید شده است، نه بی‌ارزشی آن (نادرستی گزینه‌های ۳ و ۴)

امام حسین (ع) در زمان معاویه کدام روش را پیش گرفت؟

- ۱) به روش پدر بزرگوارش در زمان خلفا در عین مخالفت، هر جا که از او کمک می‌خواستند، آنان را یاری می‌نمود.
- ۲) با همان روش برادر بزرگوارش به مدت ده سال علیه معاویه جهاد نکرد، ولی با انتقادهای شدید از او مردم را آگاه می‌نمود.
- ۳) سکوت نکرد، روش خود را تغییر داد و متناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت زیر بار بیعت نرود و علیه او قیام کند.
- ۴) تا زمانی که معاویه زنده بود گوشه‌گیری در پیش گرفت و خود را ملزم به اجرای قرارداد صلح با معاویه و یزید می‌دانست.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. امام حسین (ع) در زمان معاویه همان روش برادر بزرگوارش (امام حسن (ع)) را پیش گرفت و تا معاویه زنده بود (به مدت ده سال) علیه او جهاد نکرد، ولی با انتقادهای شدید از معاویه مردم را آگاه نمود.

معرفی امام علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر اکرم (ص) برای اولین بار، هم‌زمان با نزول کدام آیه‌ی قرآن بود؟

(۱) ای پیامبر عشیره خود را انذار کن.

(۲) آنچه بر تو از خدا نازل شده را ابلاغ نما.

(۳) از خدا و پیامبر و اولی‌الامر اطاعت کنید.

(۴) خدا اراده کرده شما را از ناپاکی دور کند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. حدود سه سال از بعثت گذشته بود که اولین دعوت علنی پیامبر، این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ: خویشان نزدیکت را انذار کن.» برای انجام این دستور، رسول خدا (ص) چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم (عشیره‌ی خود) را دعوت کرد و درباره‌ی اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به اسلام دعوت کرد. همه‌ی مهمانان سکوت کردند و جوابی ندادند و فقط حضرت علی (ع) سه بار اعلام وفاداری نمود و پیامبر ایشان را به عنوان جانشین خود معرفی کرد.

وجود دو یا چند دین در این زمان نشان‌گر چیست و قرآن کریم چه توصیه‌ای به آنها می‌کند؟

(۱) از کتاب آسمانی خود سرپیچی و از پیامبران گذشته پیروی می‌کنند - (وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ ...)

(۲) از کتاب آسمانی خود سرپیچی و از پیامبران گذشته پیروی می‌کنند - (وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دَغِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ ...)

(۳) پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند - (وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ ...)

(۴) پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند - (وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دَغِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ ...)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. وجود دو یا چند دین در یک زمان نشان‌گر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از پیامبران گذشته است.

دقت کنید که سرپیچی از کتاب آسمانی صحیح نیست. زیرا لزوماً در همه‌ی کتاب‌ها به پیامبر بعدی بشارت داده نشده است. اما خود پیامبر به آمدن پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد. آنان که دینی غیر از اسلام را برگزیده‌اند، در آخرت زیان می‌بینند: «وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دَغِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ: و

هرکس که دینی جز اسلام اختیار کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود.»

کدام مورد، بیان‌گر سخت‌کوشی پیامبر اکرم (ص) و دلسوزی فراوان او در هدایت مردم است و مطابق توصیف امیرالمؤمنین (ع) ایشان در پی درمان چه کسانی بود؟

(۱) (لَعَلَّكَ بِأَخِيحِ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ) - بیماران غفلت‌زده و سرگشته

(۲) (لَعَلَّكَ بِأَخِيحِ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ) - دل‌های کور و خالی از کدورت

(۳) (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) - بیماران غفلت‌زده و سرگشته

(۴) (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) - دل‌های کور و خالی از کدورت

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. رسول خدا (ص) آن قدر با مهربانی و صبر و تحمل، به هدایت مردم ادامه می‌داد، که گله نزدیک بود از شدت غصه و اندوه فراوان از پا درآید که خداوند به او فرمود: «لَعَلَّكَ بِأَخِيحِ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ: از این که برخی ایمان نمی‌آورند شاید که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدهی» این آیه بیان‌گر سخت‌کوشی و دلسوزی پیامبر در هدایت مردم است.

امام علی (ع) در توصیف طبابت سیار رسول خدا (ص) می‌فرماید: «... به هر جا که نیاز باشد، مرهم بگذارد، بر

دل‌های کور، گوش‌های کر، زبان‌های گنگ، او با داروهای خویش بیماران غفلت‌زده و سرگشته را درمان می‌کرد.»

دقت شود که اشاره به «دل خالی از کدورت»، به حدیث پیامبر در مورد «محبت و مدارا با مردم» توجه می‌دهد.

اکنون که می‌دانیم «ما همه شیران ولی شیر علم / حمله‌مان از باد باشد دم به دم» شایسته است، چگونه دعا کنیم؟

(۱) اِنَّ صَلَاتِي وَ نَسْكَي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

(۲) رَبِّ ارْجِعْ عَلَيَّ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ

(۳) اَللّٰهُمَّ لَا تَكْلِنِيْ اِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا

(۴) اَللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شخصی که به نیاز دائمی و لحظه به لحظه و عنایات پیوسته‌ی خداوند در بیت «ما همه

شیران ولی شیر علم / حمله‌مان از باد باشد دم به دم» آگاه باشد، یعنی؟؟؟ خود به رابطه‌اش با خدا را بیش‌تر احساس

و عجز و بندگی خود را بیش‌تر ابراز می‌کند. برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه

الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود

واگذار نکند: «اللهم لا تكلني الي نفسي طرفة عين ابدأ: خدایا مرا چشم به هم‌زدنی به خودم وامگذار»

کدام مورد، مفهوم عبارت شریف (اللَّهُ الصَّمَدُ) را بیان نموده است؟

(۱) (قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ أْبْعِي رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ)

(۲) (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ)

(۳) (إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ)

(۴) (يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. آیهی «اللَّهُ الصَّمَدُ» بیانگر بی‌نیازی خداوند است که با عرض نیاز دائمی و پیوسته‌ی موجودات به پیشگاه خدا در آیهی «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»: هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند. او همواره دست‌اندر کار امری است.» مرتبط است.

آیهی شریفه‌ی (إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ...) بیان‌گر کدام موارد است؟

- (۱) توحید در ربوبیت - هدایت و امداد الهی
(۲) توحید در ربوبیت - قدر و قضای الهی
(۳) توحید در خالقیت - هدایت و امداد الهی
(۴) توحید در خالقیت - قدر و قضای الهی

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. آیهی شریفه‌ی «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ: همانا که خداوند نگه می‌دارد آسمان‌ها و زمین را از این که نابود شدند، و اگر بخواهند نابود شوند، کسی نمی‌تواند آنها را حفظ کند، مگر خود خداوند»، بیان‌گر نگرهبانی خداوند از جهان است که مربوط به تدبیر امور جهان بوده و توحید در ربوبیت را می‌رساند. این آیه به ویژگی پایداری جهان و نگرهبانی خدا اشاره دارد که به ترتیب بیان‌گر قدر و قضای الهی است.

دعا و نیایش به درگاه الهی، چگونه موجب بهره‌مندی انسان از امداد الهی می‌شود؟

(۱) غفلت از خداوند را می‌کاهد و محبت او را در قلب انسان تقویت می‌کند.

(۲) ریشه‌ی درخت اخلاص و بندگی را تقویت نموده و به تدریج آن را آبیاری می‌کند.

(۳) به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دام او نمی‌شود.

(۴) به درجاتی از بصیرت و روشن‌بینی می‌رسد که در شرایط سخت گرفتار باطل نمی‌شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. یکی از راه‌های تقویت اخلاص، راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از اوست. زیرا نیایش و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص، غفلت از خداوند را کم می‌کند، محبت او را در قلب تقویت می‌سازد و انسان را بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.

حال کسانی که در عبادت مشمول عبارت شریفه‌ی (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ) هستند در مواجهه با سنت ابتلاء چگونه است؟

(۱) (انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ)

(۲) (اطْمَأَنَّ بِهِ)

(۳) (هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ)

(۴) (خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دقت شود که سنت ابتلاء با کلیدواژه‌ی فتنه در آیه‌ی «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ: از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای [تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی] عبادت و بندگی می‌کند. پس اگر چیزی به او رسد، دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می‌شود. او در دنیا و آخرت، [هر دو] زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است.» اشاره شده است و رویگردانی از خدا، واکنش عابدان از روی تردید در برابر فتنه‌ها و ابتلاءات است.

کدام موضوع، نشان می‌دهد خداوند متعال برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است؟

- (۱) راه رستگاری و شقاوت برای انسان در مسیر رشد و کمال تبیین گردیده است.
- (۲) توانایی بهره‌مندی انسان از آنچه در آسمان‌ها و زمین برای او قرار داده شده است.
- (۳) عوامل رشد و کمال و همچنین عوامل سقوط و گناه به انسان نشان داده شده است.
- (۴) امکان شناخت سرمایه‌ها و استعدادهای انسان و شناخت موانع حرکت برای او مشخص گردیده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. خداوند با دادن نعمت‌های مادی و معنوی به انسان، او را گرامی داشته و به او کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آنها را در وجود او قرار داده است. همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد خداوند متعال برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.

فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در چه عواملی دارد و کدام آیه‌ی شریفه، به کمال آن اشاره نموده است؟

۱) اعتقادات و معرفت‌ها - (وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ...)

۲) دل‌بستگی‌ها و محبت‌ها - (وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ...)

۳) اعتقادات و معرفت‌ها - (وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً ...)

۴) دل‌بستگی‌ها و محبت‌ها - (وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً ...)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. محبت و دوستی سرچشمه‌ی بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در دل‌بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد.

کمال محبت الهی در عبارت «وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ: و کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیش‌تری دارند» در انتهای عبارت قرآنی «وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»

برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل‌بستن به آنها، کدام فرایند لازم است؟

(۱) هر فرد با بینش و نگرش خاص خود باید به سراغ هدفی برود و آنرا انتخاب کند.

(۲) تنها هدف‌هایی باید انتخاب شوند که میل بی‌نهایت‌طلبی درون انسان را آرام کنند.

(۳) باید ارزش هدف‌ها مشخص شود و متناسب با ارزشی که دارند به آنها رتبه داده شود.

(۴) هدف‌های زندگی به اصلی و فرعی تقسیم شوند و فقط هدف‌های اصلی مورد توجه قرار گیرند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل‌بستن به آنها باید ارزش هدف‌ها را مشخص کنیم و متناسب با ارزشی که دارند، به آنها رتبه دهیم. این چیست، هدف‌های زندگی به هدف‌های اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند.

دلیل نادرستی گزینه‌های ۲ و ۴: قیده‌های «تنها» و «فقط» برای هدف‌های اصلی، نادرست‌اند. زیرا هدف‌های فرعی نیز خوب و ضروری‌اند.

دلیل نادرستی گزینه‌ی ۱: اگر هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی برود، لزوماً هدف صحیح انتخاب نمی‌شود.

چرا امام زمان (ع) را غایب نامیده‌اند؟

(۱) از نظرها غایب است، نه اینکه از جامعه آگاهی ندارد. (۲) از این دنیا غایب است، نه اینکه از جامعه آگاهی ندارد.

(۳) از نظرها غایب است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. (۴) از این دنیا غایب است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. امام را از آن جهت غایب نامیده‌اند که ایشان از نظرها غایب است نه اینکه در جامعه حضور ندارد.

با توجه به حدیث امیرالمؤمنین (ع) علل بی‌بهره شدن مردم از وجود حجیت در میانشان چیست؟

(۱) ثروت‌پرستی - زیاده‌روی در گناه

(۲) ستمگری - زیاده‌روی در گناه

(۳) ثروت‌پرستی - ظلم زیاد حاکمان

(۴) ستمگری - ظلم زیاد حاکمان

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «زمین از حجیت خدا خالی نمی‌ماند. اما خداوند به علت

ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه آنان را از وجود حجیت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.»

غیبت آخرین ذخیره و حجت الهی تا چه زمانی ادامه خواهد یافت؟

(۱) گسترده شدن ظلم و ستم در سراسر عالم و عجز مردم (۲) نابودی کامل کفر و شرک در همه نقاط جهان

(۳) شایستگی مسلمین برای درک وجود ایشان (۴) آماده شدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. این غیبت تا فراهم آمدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی ادامه خواهد یافت.

نیت شوم حاکمان بنی عباس در مورد حضرت مهدی ارواحنا فداه چه بود؟

(۱) از ظهور ایشان جلوگیری نمایند. (۲) در آغاز امامت، ایشان را محاصره نمایند.

(۳) به محض تولد او را به قتل برسانند. (۴) در میان مردم ایشان را به شهادت برسانند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. حاکمان بنی عباس در صدد بودند مهدی موعود (ع) را به محض تولد به قتل برسانند.

شدت سخت‌گیری حاکمان بنی‌عباس نسبت به اماما دهم و یازدهم (ع) چگونه مشخص گردید؟

(۱) محاصرهٔ کامل ایشان

(۲) شهادت مظلومانه ایشان

(۳) غیبت پنهان ایشان

(۴) روایات و احادیث ایشان

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. سخت‌گیری حاکمان بنی‌عباس نیست به امام دهم و یازدهم علیهماالسلام تا حدی شدت

یافته بود که آن بزرگواران را در محاصرهٔ کامل قرار داده بودند.

نعمت هدایت چگونه برای انسان‌ها تمام و کامل شده است؟

(۱) حضور پیامبران الهی (ع) (۲) وجود امام معصوم (ع)

(۳) نزول قرآن کریم (۴) بیان ادعیه و روایات

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان تمام و کامل گردانیده است.

آغاز مرحله دوم غیبت امام زمان ارواحنا فداه از چه طریق اعلام شد؟

(۱) در گذشت آخرین نایب

(۲) دعوت علنی در صحرائ عرفه

(۳) نامه‌ای از امام به آخرین نایب

(۴) اعلام عمومی امام عسکری (ع)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. چند روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر (ع) به ایشان نامه‌ای نوشت و فرمود

پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می‌شود.

شخصیت‌های بزرگوار که در دوران غیبت صغرای امام عصر (ع) واسطه میان ایشان و مردم بودند، چه نامیده می‌شوند و چند نفر بودند؟

- ۱) اولیای اربعه - چهار نفر
- ۲) اولیای اربعه - دو نفر
- ۳) نواب خاص - دو نفر
- ۴) نواب خاص - چهار نفر

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در دوران غیبت صغری امام عصر ارواحنا فداه از طریق چهار نفر از یاران مورد اعتماد خویش با مردم در ارتباط بودند. این چهار شخصیت به نواب خاص یا نواب اربعه معروف‌اند.